

هخامنشیان

مقدمه

در درس قبل با چگونگی انقراض حکومت ماد آشنا شدید. حال با چگونگی تشکیل بزرگ‌ترین امپراتوری جهان باستان - یعنی امپراتوری هخامنشی - و تحولات سیاسی و فرهنگی این عصر آشنا می‌شوید. امپراتوری‌ای که شیوه‌کشورداری آن، در قرن‌های بعد مورد تقلید بسیاری از فرمانروایان شرق و غرب قرار گرفت امروزه نیز مورخان بزرگ دنیا با علاقه‌مندی بسیار به مطالعه جلوه‌های گوناگون آن می‌پردازند.



چشم اندازی از تخت جمشید
مجموعه بناهای تخت جمشید هنوز
به عنوان یکی از شاهکارهای
معماری و هنری ایران و جهان
شناخته می‌شود. در تصویر بالا
(سمت راست)، نقاشی خیالی‌ای که بر
مبنای آثار به‌جا مانده در تخت جمشید
کشیده شده است، دیده می‌شود. در
سمت چپ نیز یک لوحه طلایی که در
تخت جمشید یافت شده، می‌بینید.

یک فرمانروای خوش نام

خواندید که کورش، نوه آخرین پادشاه ماد بود و با همراهی فرماندهان مادی توانست قدرت را به دست گیرد و سلسله هخامنشی را تأسیس کند. کورش در میان پادشاهان دنیای قدیم و جدید، ویژگی‌های خاصی داشت که بدان مشهور است و می‌توان همه آنها را در خردمندی خلاصه کرد. او به خوبی می‌دانست با اقوام و ملت‌های مختلف چگونه رفتار کند؛ به همین دلیل، شیوه فرمانروایی او با شیوه حکمرانی پادشاهانی که تا آن زمان بر مردم دنیا حکومت کرده بودند تفاوت داشت.

با انتشار خبر سقوط حکومت ماد، فرمانروایان لودییه (در ترکیه امروزی) و بابل (در عراق امروزی) به طمع افتادند که قسمت‌هایی از قلمرو مادها را تصرف کنند. پادشاه لودییه - که ادعای خویشاوندی با مادها داشت - با فرمانروایان بابل و مصر و نیز سایر حکمرانان آسیای صغیر متحد شد و درصدد ضربه زدن به کورش برآمد. کورش نیز پس از آگاهی از این اتحاد با سرعت به سوی سارد، پایتخت لودییه، حرکت کرد و حکومت لودییه و حکومت شهرهای آسیای صغیر را شکست داد. با تسلط بر این شهرها - که از راه تجارت، بسیار ثروتمند شده بودند - حکومت هخامنشیان تقویت شد.

هدف بعدی کورش، بابل، پایتخت حکومت کلدیه، بود. در این زمان، نبونید بر بابل فرمان می‌راند. بابل شهری آباد، وسیع و در واقع، بزرگ‌ترین شهر آسیا بود که مردمانی از اقوام گوناگون در آن می‌زیستند. با این حال، همه چیز برای سقوط آن فراهم بود؛ مثلاً: نبونید شایستگی حکومت بر مردم بابل را نداشت و آنان را از خود رنجانده

بود، به‌ویژه، بی‌احترامی او نسبت به مردوک خدای مورد احترام بابلیان، کاهنان بابلی را آزرده بود؛ از طرفی، با اینکه بابل شهری بزرگ و آباد بود، ولی اختلاف طبقاتی در آن بسیار بود؛ در حالی که گروهی اندک از درباریان و تاجران در ناز و نعمت و فساد و تجمل‌پرستی غرق بودند، بیشتر مردم زندگی فقیرانه‌ای داشتند (این عوامل را هنگام مطالعه سقوط حکومت هخامنشی به خاطر داشته باشید). نبونید نیز در ماجرای همراهی با پادشاه لودییه بهانه حمله به بابل را به کورش داده بود. کورش در حمله به بابل نیز کامیاب بود. در عین حال، رفتار او هنگام غلبه بر دشمن با فرمانروایان آن دوره فرق داشت. در آن زمان با سقوط یک شهر به دست دشمن، مردم قتل عام می‌شدند و به‌ویژه، خدایان مورد احترام آنان مورد اهانت قرار می‌گرفتند. کورش ضمن خودداری از این‌گونه کارها، به اقوامی که طی حمله فرمانروایان قبلی بابل، اسیر و به بردگی گرفته شده بودند اجازه داد به وطن خود بازگردند.



مقبره کورش در پاسارگاد

فکر کنید و پاسخ دهید:

با استفاده از آنچه در دوره راهنمایی خوانده‌اید،

بگویید فرجام کورش چگونه بود؟

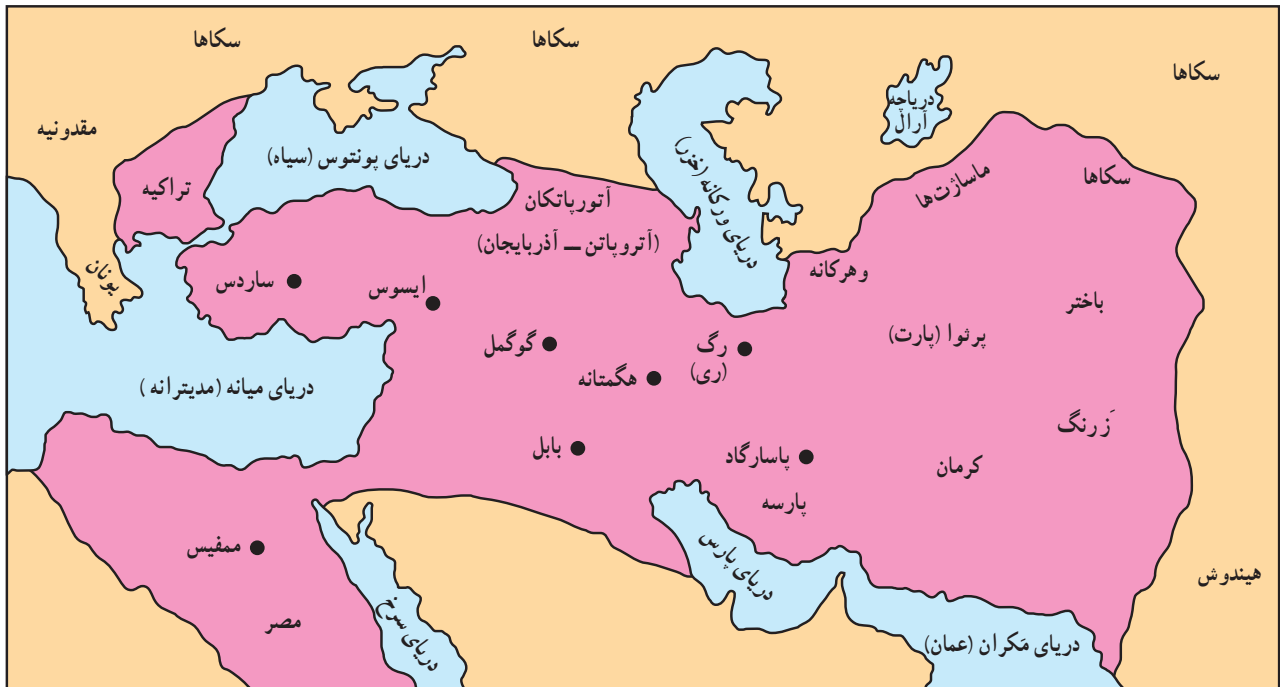
آیا قول دیگری در این باره شنیده‌اید؟

کمبوجیه، فاتح مصر

هجوم ببرند اما حملهٔ ایرانیان از خشکی آنان را غافلگیر ساخت و در نهایت، کمبوجیه توانست مصر را فتح کند. فتح مصر برای ایرانیان اهمیت زیادی داشت. آنان در پی فتوح زمان کورش، اکنون توانسته بودند بر یکی دیگر از دولت‌های مشهور جهان پیروز شده و بر سرزمین‌های وسیعی مسلط شوند.

در آغاز، برخورد کمبوجیه با مصریان شبیه برخورد کورش بود. او به آداب و رسوم مصریان احترام گذاشت و دین آنان را گرامی داشت. به همین دلیل، با مقاومت سرسختانهٔ مصری‌ها روبه‌رو نشد. کمبوجیه در صدد تصرف قسمت‌های دیگر آفریقا بود اما خبرهایی که از ایران رسید او را ناگزیر به بازگشت کرد. او ابتدا فرمانروایی ایرانی برای مصر تعیین کرد، سپس راه بازگشت در پیش گرفت اما پیش از رسیدن به ایران مرد. مشهور است که از شنیدن خبرهای مربوط به بردیا - که در ادامه خواهید خواند - دچار خشم شدیدی شد و خودکشی کرد.

پس از کورش پسرش، کمبوجیه، جانشین او شد. اقدام مهم کمبوجیه حمله به مصر بود. بهانهٔ کمبوجیه این بود که فرعون مصر او را به دامادی نپذیرفته بود، اما انگیزهٔ واقعی وی از این حمله عبارت بود از همدستی فرعون مصر با پادشاه لودییه در ماجرای توطئهٔ حمله به ایران (در زمان کورش) و نیز ثروت بیکران مصر. مصر کشوری بزرگ و دارای تمدنی با شکوه با دانشمندان و صنعتگران مشهور بود، اما این کشور نیز همچون بابل دچار نابسامانی داخلی بود. در این سفر جنگی، فرعون مصر تصور می‌کرد ایرانیان از راه دریا به این سرزمین



قلمرو حکومت هخامنشی در دورهٔ داریوش اول

افسری که بزرگ‌ترین امپراتوری جهان را سازمان داد
 هنگامی که سپاهیان کمبوجیه به ایران رسیدند، اوضاع ایران آشفتگی بود. در غیاب کمبوجیه، فردی به نام بردیا، خود را برادر کمبوجیه و جانشین حقیقی کوروش اعلام کرده بود. او با بخشش مالیات‌ها توانسته بود حمایت برخی از حکمرانان را به خود جلب کند. از طرفی، برخی از ایالت‌های دور و نزدیک سر به شورش برداشته بودند. در چنین شرایطی، یکی از جوانان خاندان هخامنشی به نام داریوش، توانست بزرگان خانواده‌های هخامنشی را با خود همراه سازد. آنان برای تصرف قدرت با هم متحد شدند. داریوش نخست با حمله به محل سکونت بردیا، او را به قتل رساند. سپس شورش‌ها را سرکوب کرد. او طی دو سال به عملیات نظامی وسیعی دست زد که طی آن ۱۹ جنگ صورت گرفت و ۹ پادشاه محلی به قتل رسیدند. در برخی از این سفرهای جنگی، داریوش خود شرکت داشت و در برخی دیگر، فرماندهان مورد اعتمادش را می‌فرستاد. او خود به مصر رفت و شورش آنجا را فرو نشانید. همچنین

شمال هند را به امپراتوری خود ضمیمه کرد. داریوش شرح بیشتر این لشکرکشی‌ها را در کتیبه بیستون به یادگار گذاشته است. این کتیبه با خط میخی نوشته شده و از قدیمی‌ترین متن‌های تاریخی جهان است که در نگارش تاریخ هخامنشیان کمک بسیاری به مورخان کرده است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

هدف داریوش از ایجاد کتیبه بیستون چه بود؟

داریوش در سال‌های پایانی عمر خود به یونان لشکرکشی کرد. در این زمان، بخش بزرگی از آسیای صغیر جزو قلمرو ایران بود. با این حال، تعدادی از فرمانروایان آن نواحی سر به شورش برداشته بودند. در این شورش، شهرهای یونانی – که مشهورترین آنها آتن^۱ و اسپارت^۲ بودند – دست داشتند. در این سفر جنگی، داریوش به تنبیه شورشیان پرداخت. هنگامی که سپاهیان او به نزدیکی آتن رسیدند، مردم آتن به پایداری پرداختند. در این جنگ که به جنگ ماراتن^۳ معروف است، آتنی‌ها



کتیبه بیستون یکی از مهم‌ترین آثار به‌جامانده از دوره هخامنشیان است که در آن مطالبی از زبان داریوش اول (بزرگ) درباره چگونگی به سلطنت رسیدن وی و قسمت‌های مختلف قلمرو هخامنشی در زمان او نوشته شده است.

۱_ Athen

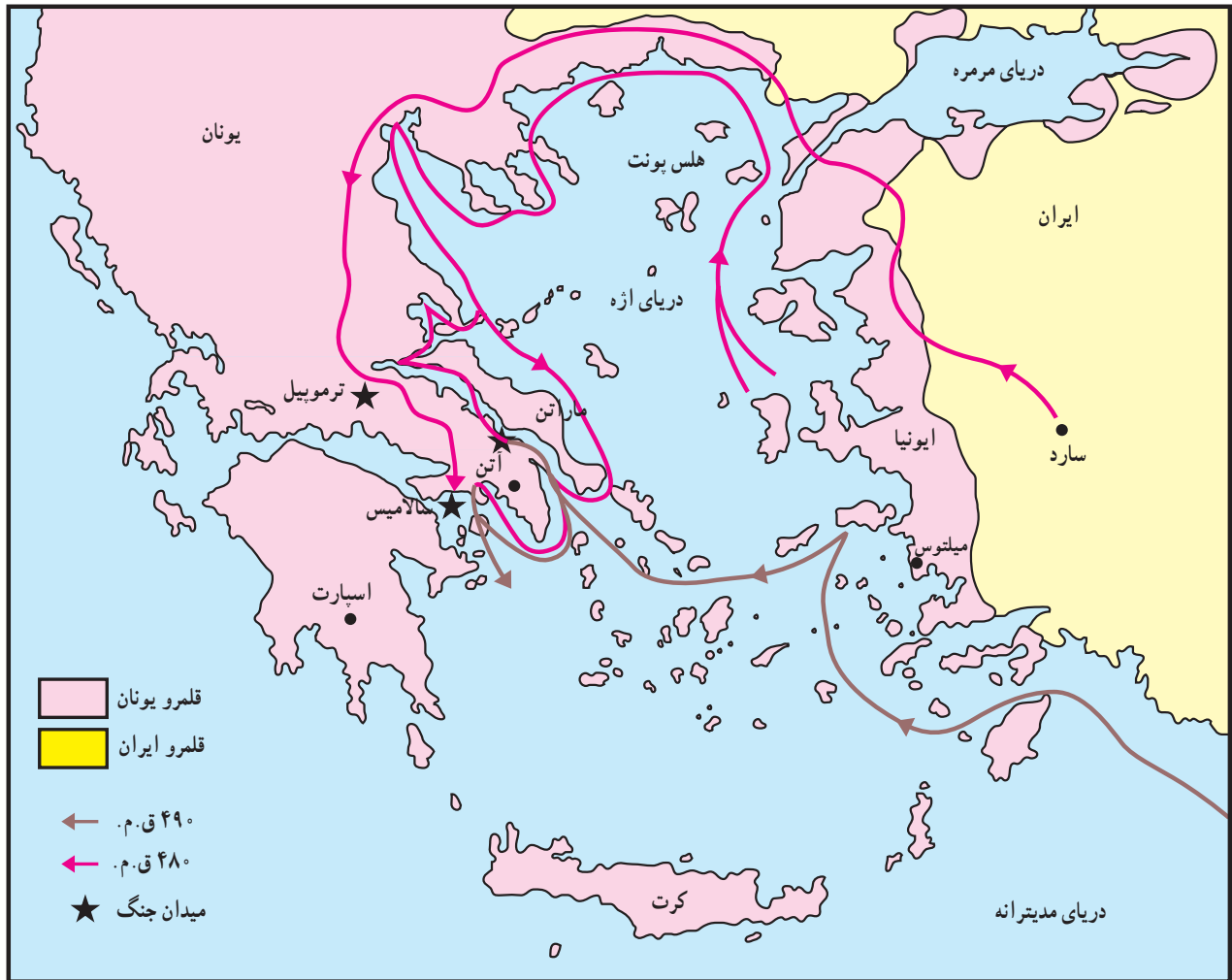
۲_ Sparta

۳_ Marathon



جام طلایی، یکی از زیباترین آثار به جا مانده از دوره هخامنشی است.

توانستند از سقوط شهرشان جلوگیری کنند. داریوش به سپاهیان دستور داد که باز گردند. او قصد داشت سال بعد دوباره به یونان لشکرکشی کند، اما بعد از مدتی، مرد آتنی‌ها از اینکه توانسته بودند شهر خود را از فتح شدن برهانند بسیار خوشحال شدند و شادمانی کردند. مورخان یونانی نیز این حادثه را به عنوان شکست داریوش قلمداد کردند و در کتاب‌های خود در توصیف آن اغراق بسیار کردند.



جنگ‌های ایران و یونان

از مرگ داریوش تا انقراض سلسله هخامنشی

همزمان با روی کار آمدن خشایارشا، پسر و جانشین داریوش^۱، شورش‌هایی در مصر و بابل رخ داد که هخامنشیان آنها را سرکوب کردند. سپس خشایارشا تصمیم گرفت نقشه پدر را برای حمله دوباره به یونان عملی سازد. او برای این کار سپاه بزرگی به راه انداخت. خشایارشا در نبردهای زمینی پیروز بود؛ اما در نبرد دریایی به نام سالامیس توفیق چندانی نداشت. از آن پس، خشایارشا بیشتر اوقات خود را به خوشگذرانی مشغول شد و عاقبت به دست یکی از درباریان به قتل رسید. دربار هخامنشی نیز بیش از پیش کانون توطئه‌ها و رقابت‌های درباریان شد. در زمان داریوش دوم، همسرش پروشات (پریزاد) قدرت و نفوذ زیادی در شاه داشت، به همین دلیل، در تصمیم‌گیری‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کرد. از وقایع مهمی که او در آن دست داشت، لشکرکشی کوروش کوچک برای به چنگ آوردن قدرت بود؛ داریوش دوم پیش از مرگ، پسرش اردشیر (دوم) را به جانشینی انتخاب کرد اما پسر دیگرش به نام کوروش کوچک که در آسیای صغیر حکومت داشت، به این انتخاب راضی نبود. بعد از مرگ داریوش دوم، کوروش کوچک ضمن همفکری و هماهنگی با مادرش، با سپاهی که بیشتر آنان یونانی بودند به سوی پایتخت به راه افتاد؛ اما در جنگی که رخ داد شکست خورد و کشته شد.

در زمان اردشیر دوم، یونان که دچار ضعف و انحطاط شده بود، توسط فیلیپ مقدونی، حاکم مقدونیه، فتح شد. در زمان جانشین او – یعنی اردشیر سوم – بسیاری از افراد خاندان هخامنشی کشته شدند که موجب ضعیف شدن حکومت هخامنشی شد. در زمان داریوش



هخامنشیان

سوم، اختلافات داخلی، تن‌پروری و سستی بر هخامنشیان غلبه داشت و دیگر از شور و شجاعت سال‌های پیش چیزی نمانده بود. در چنین شرایطی، اسکندر مقدونی در چند جنگ هخامنشیان را شکست داد و در شهرهای ایران کشتار زیادی به راه انداخت. جانشینان اسکندر در ایران سلوکیان بودند که مدتی بر کشور ما فرمان راندند و سرانجام، توسط اشکانیان به تدریج بیرون رانده شدند.

آریوبرزن

در جریان حمله اسکندر به ایران، هنگامی که او و سپاهیان به کوهستان‌های غرب فارس رسیدند با حمله آریوبرزن و یارانش رو به رو شدند. آریوبرزن از بالای کوه‌ها راه را بر سپاه اسکندر بسته و با پرتاب تخته سنگ‌های عظیم، آنان را در وضعیت سختی گرفتار کرده بود اما اسکندر به راهنمایی فردی یونانی که در جنگ‌های قبل به اسارت ایرانیان درآمده بود، توانست راه صعود از کوه را بیابد. پس اسکندر سپاهی را برای جنگ با ایرانیان روانه کرد. آریوبرزن و یارانش شجاعانه در برابر آنان جنگیدند؛ اما چون تعدادشان از دشمن بسیار کمتر بود، کاری از پیش نبردند و در این راه جان باختند.

فرهنگ و تمدن ایران در عصر هخامنشیان

به فاصله هر ۲۴ کیلومتر چاپارخانه‌ای ساختند. در این چاپارخانه‌ها همیشه اسب‌های تازه نفس آماده بود. پیک‌های دولتی با رسیدن به این چاپارخانه‌ها، اسب خود را عوض می‌کردند و با اسبی تازه نفس، با سرعت به راه خود ادامه می‌دادند.

اداره کشور: داریوش قلمرو هخامنشی را به ایالت‌های مشخصی تقسیم و برای هر یک از آنها یک شهربان تعیین کرد. یک دبیر (رئیس امور اداری) نیز به امور اداری ایالت رسیدگی می‌کرد. یک فرمانده سپاه نیز در هر ایالت وجود داشت که در کار خود مستقل بود. هر یک از این سه، مأموران و کارمندان بسیاری داشتند. به علاوه جاسوس‌های شاه که به چشم و گوش او مشهور بودند، در همه جا حضور داشتند و اخبار مختلف را به اطلاع او می‌رساندند.

خط: برای مکاتبات اداری ابتدا از خط آرامی و بابلی استفاده می‌کردند؛ اما بعد از مدتی، خط میخی پارسی نیز ابداع و به آنها افزوده شد.

اقتصاد: اقدام دیگر داریوش، ضرب سکه طلا و نقره بود. پیش از او، پادشاهان سارد از طلا سکه ضرب کرده بودند. برای سامان یافتن اقتصاد کشور لازم بود که هم پول

پس از سرکوبی شورش‌های دور و نزدیک و نیز پیوستن سرزمین‌های جدید بر قلمرو هخامنشیان، داریوش دریافت که برای اداره این کشور وسیع، لازم است امپراتوری او به شیوه‌ای نو سازماندهی و قانون‌ها و مقررات تازه‌ای وضع شود. پیشگیری از وقوع دوباره شورش‌ها از طریق نظارت مستمر بر ایالات، آگاهی از میزان محصولات و درآمدها برای تعیین مالیات‌ها و ایجاد مؤسساتی برای تنظیم امور ایالت‌ها و رسیدگی به کارهای مختلف آنها از جمله دلایل این امر بود.

راه‌سازی و ارتباطات: نخستین اقدامی که لازم بود انجام شود، ایجاد تسهیلاتی برای ارتباطات بود؛ زیرا در دوره‌ای که رفت و آمد و سفر - عمدتاً از خشکی - به استفاده از اسب و ارابه منحصر می‌شد لازم بود چاره‌ای اندیشیده شود تا اخبار و اطلاعات به سرعت از نقاط دوردست امپراتوری به دربار (و بالعکس) برسد؛ بنابراین، ساخت راه آغاز شد. این جاده‌ها شوش را به سارد و بابل را به شوش وصل می‌کرد. به علاوه جاده‌های کوتاهی نیز در داخل ایران ساخته شد.

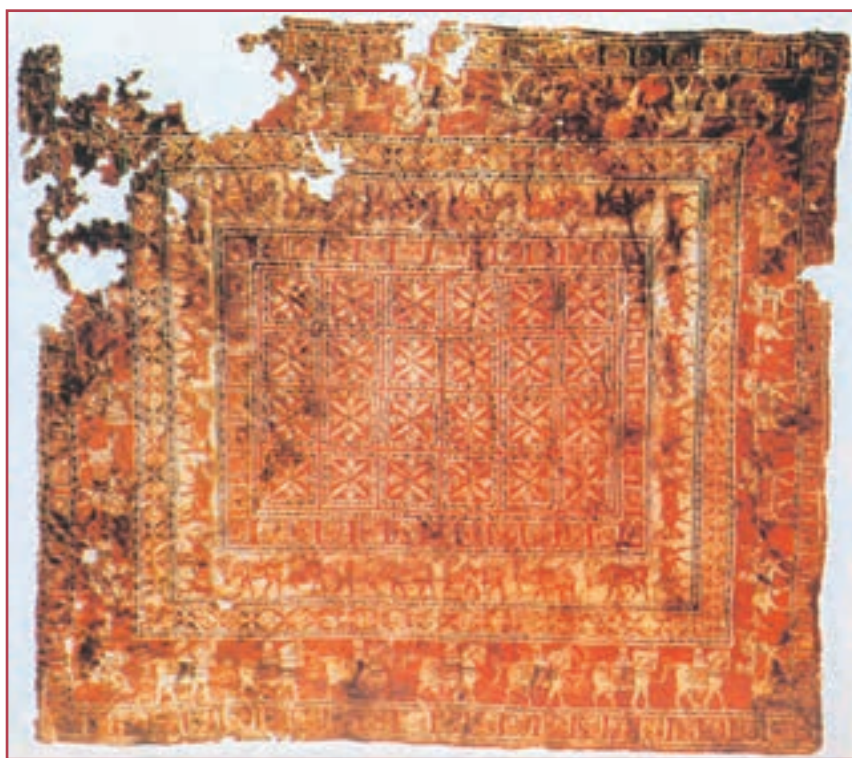
درباریان بود. او فرماندهان نظامی را از میان پارسیان انتخاب می‌کرد؛ زیرا به آنان اعتماد بیشتری داشت.

هنر، صنعت، معماری: کورش پس از تأسیس سلسله هخامنشی در پاسارگاد (در فارس امروزی) برای خود کاخی ساخت و اطراف آن را با باغ‌های زیبا تزئین کرد. کمبوجیه فرصت چندانی برای ساختن کاخ نیافت؛ اما داریوش در مدت بیش از سی سال فرمانروایی، کاخ‌های مجلل ساخت. پس از او، سایر شاهان هخامنشی نیز برای خود کاخ‌ها و بناهایی ساختند. داریوش در سال‌های نخست فرمانروایی در شوش کاخ باشکوهی ساخت، اما طرح اصلی و عظیم او برای نمایش هیبت و قدرتش در تخت جمشید اجرا شد.

واحد در کشور رواج یابد و هم مقررات مشخصی که نحوه دریافت مالیات‌ها، اجاره زمین‌ها، دستمزدها و ... را معین کند، گذاشته شود.

با این اقدامات درآمدهای حکومت افزایش یافت و اقتصاد عمومی کشور رونق گرفت و سطح زندگی مردم اندکی بالا رفت؛ به طوری که ایران در دوره هخامنشیان ثروتمندترین حکومت آن روزگار شد.

نیروی نظامی: داریوش همچنین یک سپاه ده هزار نفری به وجود آورد که از نظر تجهیزات جنگی و آموزش‌های نظامی از بقیه سپاهیان ورزیده‌تر بودند. این سپاه یک سپاه دائمی و وظیفه آنان، بیشتر، محافظت از کاخ‌های شاه و



فرش پازیریک؛ این فرش که در یک گور در روسیه به دست آمده، یکی از قدیمی‌ترین فرش‌های جهان است که شامل نقوش هندسی، گل، حیوانات افسانه‌ای و انسان‌های سوار بر اسب و پیاده است. بنا به روایات مشهور، این فرش در دوره هخامنشیان در ایران بافته شده است.

با تزئینات بسیار و مجسمه‌های شاهان هخامنشی آراسته شد که برای این منظور، مجسمه‌ها و نقوش برجسته‌های مورد نظر شاهان هخامنشی تهیه گردید.

پس از داریوش، ساخت بناهای جدید در تخت جمشید ادامه یافت و تا ۱۵۰ سال بعد از او نیز در این مکان بناهای دیگری تأسیس شد. درون ساختمان‌ها

رئیس تشریفات بر کارهای مربوط به تخت جمشید و امور اداری و مالی مربوط به ایالت‌های هخامنشی نظارت داشت.

فکر کنید و پاسخ دهید:

مورخان و باستان‌شناسان چه استفاده‌هایی از

کتیبه‌های هخامنشیان می‌کنند؟

انواع آثار فلزی از طلا، نقره و مفرغ مانند سکه‌ها، سلاح‌ها، جام‌ها، ریتون‌ها، ظروف، وزنه‌ها، لوحه‌ها که از دوران هخامنشی به جای مانده است، بیننده را شگفت‌زده می‌کند؛ زیرا ساخت آنها برای هنرمندان امروزی نیز کار راحتی نیست. دقت در این آثار نشان می‌دهد که هنرمندان آن عصر، علاوه بر مهارت در کار از ابزار و دانش موردنیاز برای ساخت چنین آثاری برخوردار بوده‌اند؛ بنابراین، صنعت ایران در عصر هخامنشی نیز پیشرفت زیادی کرده بود. بخشی از کتیبه داریوش اول هخامنشی در تخت جمشید به همراه ترجمه آن در زیر آمده است.

از دوران هخامنشی کتیبه‌هایی در بیستون، تخت جمشید، نقش رستم، شوش و نیز بر روی برخی ظروف و لوح‌های آنان بر جای مانده است.

𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁
𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁
𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁
𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁
𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁
𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁
𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁
𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁
𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁
𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁
𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁
𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁
𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁	𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁𐎧𐎡𐏁

اهوره مزدا با خدایان خاندان سلطنتی مرا یاری کند! این کشور را اهوره مزدا از دشمن، از خشکسالی [و] از دروغ، محفوظ دارد! به این کشور نیاید نه دشمن، نه خشکسالی [و] نه دروغ. این را [چون] برکتی از اهوره مزدا با خدایان خاندان سلطنتی درخواست می‌کنم. این را به من [چون] برکتی اهوره مزدا با خدایان سلطنتی بدهاد!

یک توضیح

ریتون^۱

ریتون واژه‌ای است یونانی و در لغت‌نامهٔ دهخدا واژهٔ «تکوک^۲» به عنوان معادل آن به کار رفته است. تکوک یا ریتون، ساغر یا جامی بوده که ایرانیان در زمان باستان آن را از جنس فلزاتی همچون طلا، نقره، آهن و یا سفال و به شکل سر حیواناتی نظیر شیر، گاو، قوچ، بز، اسب و آهو می‌ساختند و از آن برای نوشیدن استفاده می‌کردند. ایرانیان اعتقاد داشتند نوشیدن در ظرفی به شکل سر حیوان، توان آن حیوان را به انسان می‌بخشد.

۱- Rhiton , Riton

۲- Takuk



نمونه‌هایی از ظروف نقره‌ای مربوط به دوره هخامنشی. در عکس بالا، ظرف کوزه‌ای شکل با طلاکاری و دسته‌های ظریف به شکل بز کوهی و در عکس پایین، بشقابی با نقش‌هایی از بز کوهی دیده می‌شود. به نظر شما، توجه هنرمندان ایران به این حیوان (بز کوهی) برای چیست؟

ظروف سفالی در میان اشراف و نیز در میان مردم عادی کاربرد فراوان داشت. در دوران هخامنشی ظروف سفالی مانند کاسه، خمره‌های بزرگ برای ذخیره گندم و جو، قمقمه و ریتون رواج بسیار داشت.

نقش برجسته‌های باقیمانده از دوران هخامنشی و نیز آثاری مانند فرش مشهور پازیریک نشانگر وجود بافندگان هنرمند و خوش ذوق این عصر است. در عصر هخامنشی، پارچه‌های چیندار رواج بسیار داشت و مردان و زنان درباری با لباس‌های رنگارنگ با زیورآلات طلائی به خودآرایی می‌پرداختند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- کدام دولت‌ها توسط کورش منقرض شدند؟ چگونگی آن را توضیح دهید.
- ۲- علل آغاز جنگ‌های ایران و یونان در دوره هخامنشی چه بود؟
- ۳- چهار مورد از اقدامات مهمی را که در زمان فرمانروایی داریوش انجام شد، ذکر کنید.
- ۴- چرا حکومت هخامنشی توانست در برابر حملات اسکندر مقدونی ایستادگی کند؟
- ۵- چرا در دوره هخامنشیان به توسعه و تعمیر راه‌ها توجه ویژه‌ای می‌شد؟
- ۶- از مجموع رویدادها و تحولات تاریخ ایران در دوره هخامنشی چه نتایج و درس‌هایی می‌توان گرفت؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره جایگاه امپراتوری هخامنشی در جهان باستان یا نظرات مورخان و اندیشمندان غیرایرانی در مورد این امپراتوری مطلبی تهیه کنید.
- ۲- در مورد محتوای یکی از کتیبه‌های دوره هخامنشی تحقیق کنید و نظر خودتان را درباره آن بیان کنید.
- ۳- فهرست ابالت‌های ایران در زمان هخامنشی را تهیه کنید و هر یک از آنها را با نقشه کنونی ایران و سرزمین‌های همسایه تطبیق دهید.